

میراث فکری مشترک ایران و عثمانی در مشاغل اهل حِرَف*

فرزانه فرخ‌فر**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱۲ (صفحه: ۵۷-۸۴)

چکیده: در قرن دهم هجری، تبدلات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی گسترده دو دولت صفوی و عثمانی به گسترش پل ارتباطی در زمینه‌های مختلف منجر شد، که نمود این تظاهرات اجتماعی را می‌توان در مشاغل و حِرَف آن روزگار مشاهده کرد. برخی از اسناد و گزارش‌های به‌ثبت‌رسیده تصویر واضحی از وضعیت مشاغل و پیشه‌های دولت‌های صفوی و عثمانی در اختیار می‌گذارند که مطالعه تطبیقی این اسناد، به منظور شناسایی اشتراکات فکری و فرهنگی دو سرزمین، بستر جدیدی را برای مطالعات عمیق‌تر می‌گشاید.

هدف این پژوهش معرفی و بررسی مشاغل صفوی و عثمانی و نشان دادن تأثیر مناسبات اجتماعی و فرهنگی این دولت‌ها بر توسعه مشاغل اهل حِرَف است. بدین منظور، در بخش نخست این پژوهش، پس از بررسی تبدلات سیاسی - اجتماعی دولت‌های صفوی و عثمانی، برخی از مهم‌ترین اسناد و منابع دربردارنده اطلاعات

* از پژوهشگران گروه مطالعات آسیای صغیر، سرکار خانم فهمیه سیفی و آزاده اتکال، که در یافتن و تکمیل معانی مشاغل اهل حرف مرا یاری کردند، صمیمانه سپاسگزارم. همچنین از سرکار خانم دکتر منیژه صدری و همکاران مرکز آرشیو صدارت عثمانی، که در بخش توضیحات برخی مشاغل اهل حرف عثمانی راهنمای من بودند، تشکر و قدردانی می‌کنم.

** استادیار دانشکده هنر دانشگاه نیشابور (farrokhfar@neyshabur.ac.ir)

مربوط به مشاغل اهل حِرَف این دو دولت معرفی می‌شود. در بخش‌های بعد، ضمن معرفی حِرَف ذکر شده در این اسناد، وضعیت مشاغل عصر صفوی و عثمانی، با تأکید بر نقاط مشترک آن دو در انواع حِرَف و جماعت‌خانه‌ها، جایگاه و مقرری پیشه‌وران و مشاغل خاص، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. نتایج تحقیق، به‌رغم تبیین وجوه افتراق، بیانگر اشتراکات فکری و فرهنگی دو دولت صفوی و عثمانی است. روش تحقیق تحلیلی - تطبیقی و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای - اسنادی است.

کلیدواژه‌ها: ایران، صفوی، عثمانی، مشاغل، اهل حِرَف.

۱ مقدمه

در بررسی سیر تحول تاریخی هر تمدن، آنچه مورد توجه قرار می‌گیرد سیر تکامل و پویایی فعالیت‌های بشری است، که در این راستا، فعالیت‌های فکری و جسمی بشر، از جمله مشاغل و حِرَف، در مرکز توجه قرار دارد. آنچه تاکنون در پژوهش‌ها ارزیابی شده شناسایی عناوین مشاغل در ادوار گوناگون تاریخ ایران براساس اسناد و مدارک موجود است و کمتر به ذکر روابط و وابستگی‌های این مشاغل با همسایگان خارجی پرداخته شده است. در این میان، دوره تاریخی منتخب این پژوهش عصر صفوی است که، علاوه بر ویژگی‌های منحصر به فرد آن در تاریخ سیاسی و مذهبی ایران، می‌توان از این دوره به عنوان عصری پیشرو در جهت فعالیت‌های بازرگانی و مراودات فرهنگی با دولت عثمانی یاد کرد.

هدف از این پژوهش پاسخ به این پرسش است که اهل حرف دولت‌های صفوی و عثمانی، تا چه میزان از میراث فکری مشترک برخوردار بوده‌اند؟ فرضیات مقدماتی حاکی از آن‌اند که اشتراکات بسیاری در نوع مشاغل، کارگاه‌ها و جماعت اهل حِرَف دو دولت صفوی و عثمانی وجود داشته که بیانگر وجود ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی مشترک بین دو منطقه در قرون دهم و یازدهم هجری است.

۲ پیشینه تحقیق

مهم‌ترین منابع مورد استناد این پژوهش دو کتاب تذکره تحفه سامی و تذکره الملوک از عهد

صفوی و دفاتر اهل حرف از عهد عثمانی است. همچنین به برخی منابع که بررسی‌هایی درباره اسناد و تذکره‌های اهل حرف عصر صفوی انجام داده‌اند می‌توان اشاره کرد که در بخش‌هایی از پژوهش حاضر به آنها استناد شده است. تحقیقات مهدی کیوانی (۱۳۹۲) درباره مشاغل عهد صفوی، که بر اساس اطلاعات نسخه تذکره الملوک انجام شده، از جمله کامل‌ترین منابعی است که در آن به معرفی مشاغل عصر صفوی پرداخته شده؛ اما درباره ارتباط این مشاغل با همسایگان غربی و گسترش آن در آسیای صغیر سخنی به میان نیامده است. فاطمه توکلی فرد (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در رشته زبان و ادبیات فارسی، تحقیق مفصل و دقیقی درباره تحفه سامی و نقش آن در معرفی شاعران عصر صفوی انجام داده است. توصیف مشاغل صفوی بر اساس اطلاعات تحفه سامی را در پژوهشی که علی روح‌بخشان (۱۳۸۶) ارائه کرده نیز می‌توان یافت؛ اما این پژوهش نیز به معرفی مشاغل محدود می‌شود و تحلیلی در کار نیآورده است.

یکی از مهم‌ترین و کامل‌ترین اسناد در زمینه معرفی مشاغل عثمانی در قرون دهم و یازدهم هجری دفاتر اهل حرف دربار تویقایی است. نخستین منبع منتشرشده درباره بازخوانی این اسناد، در سال ۱۹۵۳، توسط مریچ^۱ به زبان ترکی به چاپ رسید، که به معرفی جماعت نقاشان محدود می‌شود و منبع کاملی نیست. اوزون چارشیلی^۲ (۱۹۸۶) نیز، در تحقیقات خود درباره مشاغل دربار عثمانی، تنها به دفتر ۹۳۲ ق پرداخته و به اطلاعات سایر دفاتر اشاره‌ای نکرده است. بخشی از کارگاه‌های کتاب‌آرایی دفاتر قرن دهم هجری در پژوهش‌های پراکنده نگارنده بررسی و منتشر شده‌اند (فرخ‌فر ۱۳۹۰ و ۱۳۹۳)، اما در این منابع نیز معرفی تمامی مشاغل و وضعیت جماعت‌خانه‌ها نیامده است.

در این پژوهش سعی شده، ضمن بهره‌گیری از منابع مذکور، تمامی مشاغل ذکرشده در این اسناد بازخوانی و براساس نوع جماعت‌خانه‌ها دسته‌بندی و سپس تحلیل شوند. در این مسیر، تنوع مشاغل و گوناگونی جماعت‌خانه‌ها، مرتبه، حقوق و مقرری پیشه‌وران، و مشاغل خاص مطالعه می‌شود. روش این پژوهش تحلیلی - تطبیقی و شیوه گردآوری منابع کتابخانه‌ای - اسنادی است.

۳ تبادلات سیاسی - اجتماعی دولت‌های صفوی و عثمانی

دربار عثمانیان، از بدو تأسیس، وارث دربارهای کوچک و محلی سلجوقیان روم بود. نظام دیوانی و تشکیلات اداری سلجوقیان، که تقلیدی از نظام دیوانی ایران بود، به عنوان یک الگوی سیاسی از سوی امیران و سپس سلاطین عثمانی پذیرفته شد. به همین قیاس، سلاطین عثمانی، به پیروی از آداب و رسوم سلجوقیان روم، در ترویج فرهنگ و ادب ایرانی کوشیدند.

مهاجرت پیشه‌وران ایرانی به دبار عثمانی، در پایان دوره حاکمیت تیموریان، بیانگر مناسبات فرهنگی بین ایران و عثمانی بعد از مجادلات سیاسی بین دو کشور در دوره تیموری بود. ناآرامی‌ها و اغتشاشات ایران در اوایل قرن دهم هجری سبب شد گروه زیادی از نخبگان و صنعتگران راهی دبار سلاطین عثمانی شوند؛ و این سلاطین نیز به گرمی آنها را پذیرفتند. به طور کلی، کوچ پیشه‌وران ایرانی به دبار عثمانی دلایل متعددی داشت، که اغلب در پی تحولات سیاسی رخ نمودند؛ از این میان، اسارت و پناهندگی مهم‌ترین این عوامل اند.

الف) اسارت: در دوران حاکمیت ترکمانان و صفویان، برخی از شهرها و مراکز هنرپرور ایران چندین بار مورد تهاجم ترکان عثمانی قرار گرفت و بسیاری از اهالی حَرَف به دبار عثمانی منتقل شدند. تهاجم نخست، که در سال ۸۷۸ق در پی نبرد بشکنت در منطقه اوتلوق‌بلی و تصرف بخش‌های غربی ایران و به‌خصوص دیاربکر مرکز حکومت ترکمانان آق‌قویونلو به وقوع پیوست، موجب اسارت و انتقال بسیاری از بزرگان و پیشه‌وران دبار ترکمانان شد (Campbell & Chong: 83). در این میان، نبرد چالدران، در سال ۹۲۰ق رخ داد، که شکست ایران در این نبرد اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا، متعاقب این شکست، سپاهیان عثمانی به تبریز، پایتخت صفویان، هجوم بردند و، پس از یک هفته اقامت در شهر، تعداد زیادی از صنعتگران تبریزی، تیموری و ترکمان را، که به قولی قریب به هزار نفر (حدود دویست خانوار) تبریزی از ارباب هنر، تجار و سایر افراد شایسته و کارآمد بودند، به دبار استانبول انتقال دادند (اوزون چارشیلی: ۳۰۴/۲). به گفته وورال گنج، «نخستین گروه از مردم تبریز شامل حدود هزار نفر از شعرا،

نقاشان، ادیبان، زرگران، صحافان... قالی‌بافان و صنعتگران، به همراه تجار ثروتمند شهر و عده‌ای از نظامیان عثمانی، در ۲۲ رجب ۹۲۰ به استانبول رفتند» (گنج: ۱۶). برخی منابع این تعداد را هفتصد خانوار (BINNEY: xviii; BAYAT: 667) و برخی دیگر چون اسکندریبگ منشی و ژان شاردن، سیاح معروف عصر صفوی، سه هزار خانوار ذکر کرده‌اند (اسکندریبگ منشی: ۳۰۸/۱؛ شاردن: ۴۱۸). اغلب این افراد، یا پیشه‌وران دوره آق‌قویونلو در تبریز بودند و یا صنعتگرانی بودند که شاه اسماعیل از شیراز، هرات و سایر مراکز به تبریز آورده بود (عالی افندی: ۵).

پس از این جریان، تا پایان قرن دهم هجری، غارت تبریز سه بار دیگر تکرار شد. در سال‌های ۹۴۱ و ۹۵۵ق، تبریز هنوز پایتخت صفویان بود و کارگاه‌های درباری به تولید زیباترین آثار و صنایع آن روزگار مشغول بودند. در مورد تهاجم ۹۹۴ق و مهاجرت صفائی تبریزی، در کتاب دانشمندان آذربایجان، آمده است: «چون ولایت آذربایجان به تصرف رومیان درآمد (۹۹۴ق)، بنا بر ضرورت، دل از حب وطن برداشته وقتی که جمیع تبریزیان فرار نموده به دارالموحدین قزوین آمدند، او نیز آمد و در شهر مذکور رحل اقامت انداخت» (تربیت: ۳۴۲). این توصیف نه‌تنها بیانگر وضعیت زمان مذکور است، بلکه سندی است بر هجوم عثمانیان و مهاجرت و اسارت پیشه‌وران.

ب) پناهندگی: عده‌ای از صنعتگران، احتمالاً به دنبال مجادلات سیاسی دربار تیموریان که از مرگ الغ‌بیگ تا روی کار آمدن سلطان حسین بایقرا در سال ۸۷۵ق اتفاق افتاد، به دیار عثمانی پناهنده شدند. در این دوران، در دولت عثمانی، سلاطین فرهنگ‌دوستی همانند سلطان محمد فاتح و بایزید دوم حکومت داشتند (RABY & TANINDI: 74). همچنین، در جریان به رسمیت شناخته شدن مذهب شیعه در ایران و ایجاد فشار و محدودیت بر سنی‌مذهبان برای گرویدن به آیین جدید، برخی از پیشه‌وران به میل و اختیار خود به سرزمین‌های همسایه در شرق و غرب کوچ کردند (باربارو: ۲۲۱، ۲۵۱، ۳۱۰).

۴ اهل حَرَف

در تعریف اهل حَرَف «پیشه‌ور، صاحب حرفه» (دهخدا، ذیل اهل حرفه) معرفی شده است. در دوره

صفوی، عبارت‌های «اهل کسب»، «اهل حرفه» و «اهل صنعت» به صورت گسترده به کار می‌رفت (اسکندربیک منشی: ۱ / ۸۶۱). در کارگاه‌های دربار عثمانی نیز، که بر پایه سنت مرسوم سلاجقه روم و به تقلید از کارگاه‌های هنری ایران شکل گرفته بود، اهل حرف به طبقه‌ای از نخبگان اطلاق می‌شد که به صنایع و هنرهای دستی مشغول بودند (Atil: 26). بررسی‌ها نشان می‌دهند که چرخه اصلی تولید آثار و فعالیت‌های تجاری در دستان قدرتمند و هنرمند اهل حرف قرار داشته و مایه مباهات دولت‌ها بوده‌اند.

۵ دفاتر اهل حرف و پیشه‌وران صفوی

جستجوهای نگارنده برای یافتن منابع مربوط به وضعیت مشاغل و اصناف عصر صفوی نشان از وجود حداقل منابع دارد. کمبود شواهد احتمالاً ناشی از عدم تمایل تاریخ‌نگاران ایرانی به ارائه تصویری روشن در این زمینه است، چرا که تاریخ‌نگاری پیش از هر چیز یک امر سیاسی بوده است. دلیل دیگر از میان رفتن اسنادی مانند دفاتر حسابرسی و ثبت معامله‌های کسبه و پیشه‌وران و اوراق مالیاتی است که تا سقوط صفوی ادامه پیدا کرد. محمدهاشم آصف در اواخر قرن دوازدهم هجری می‌گوید: «دفاتر و اسناد ثبتی حکومت صفوی و سلاطین پیشین که در کاخ شاه، مشهور به سرای چهارحوض، نگهداری می‌شد، در روزهای پایانی حکومت صفوی، به فرمان عبدالله‌خان (حاکم اصفهان) طعمه آتش گردید» (آصف: ۶۲-۶۳). جابری انصاری، مورخ قرن سیزدهم هجری، نیز بیان می‌کند که «به فرمان محمود افغان، تمامی دفاتر حساب و اسناد مهم تجار و پیشه‌وران بازار صفوی به زاینده‌رود ریخته شد» (جابری انصاری: ۳۳-۳۴).

با این همه، برخی اسناد دوره صفوی بر جای مانده و در دسترس است. تحفه سامی اثر سام‌میرزا، شاهزاده صفوی (وفات: ۹۷۴ق) یکی از تذکره‌های درخور ذکر عهد صفوی است. توکلی فرد در این باره می‌گوید:

آنچه بیش از هر چیز به چشم می‌خورد، آگاهی کامل سام‌میرزا نسبت به ادب نثر و نظم و هنرهای آن زمان است که موجب گردیده این شاهزاده خوش‌ذوق با درستی و راستی به تألیف

شرح احوال شاعران آن زمان بپردازد و اطلاعات جامعی را در خصوص وضعیت ادبی، هنری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و... در این کتاب پرارزش جمع‌آوری کند و این موضوع موجب تفوق و برتری این کتاب در بین تذکره‌های آن دوران شده است» (توکلی فرد: ۴۶).

سام‌میرزا این اثر را در سال ۹۵۷ ق آغاز و در ۹۶۸ ق به پایان رساند (همان: ۴۸).
اثر مهم دیگر تذکره‌الملوک نوشته میرزا سمیعا (وفات: ۱۱۴۲ ق) است که درباره تشریفات دربار و راه و رسم دولت صفوی نوشته شده و اطلاعات قابل توجهی از سازمان اصناف و امور مربوط به آن در اختیار می‌گذارد.

۶ مشاغل اهل حرف دولت صفوی

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، در این بخش، مشاغل اهل حرف عهد صفوی بر اساس تذکره تحفه سامی و تذکره‌الملوک بازخوانی و معرفی می‌شوند. اسامی مشاغل به ترتیب حروف الفبا و با ذکر شماره صفحه موجود در اسناد ارائه می‌گردد. برخی از مشاغل دولتی و تشریفاتی، که با توجه به ماهیتشان در فهرست اهل حرف نمی‌گنجد، در تحلیل‌های بعدی، از این فهرست خارج خواهند شد. درباره مشاغل ناشناخته و یا متروک نیز اطلاعات لازم با استناد به منابع مرتبط ارائه شده است.

۱-۶ بر اساس اطلاعات تذکره تحفه سامی: آهنگر (۱۵۰)، ابریشم‌فروش (۱۳۹، ۱۴۲، ۱۶۶)، باغبان (۱۲۹)، برزگر (۶۳)، بزاز (۳۸، ۱۹۰)، بقال (۴۲)، بنا (۹۸، ۱۳۹، ۱۴۸)، بیاع^۱ (۱۴۹)، بیلدار (۱۹۰)، پاسبان (۳۹)، پالان‌دوز (۹۸)، پوستین‌دوز (۱۴۲)، پینه‌دوز (۱۸۹)، تاج‌دوز (۱۴۳)، تاجر (۱۴۷، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۲، ۱۷۷، ۱۷۸)، تصویرگر (مصوّر) (۳۹، ۴۷، ۶۸، ۱۳۸، ۱۸۰)، تکتل‌دوز^۲ (۱۴۴)، تکمه‌بند (۱۴۲)، توشمال^۳ (۱۸۶)، تیرانداز (۲۰، ۴۴)، تیرگر (۱۷۱)، جراح

۱. فروشنده و دلال (دهخدا)

۲. تکتلو: نمد زین اسب؛ چیزی که از نمد و جز آن دوزند و زیر زین گذارند (همان)

۳. ناظر، خوان‌سالار و چاشنی‌گیر (همان)

(۴۴)، جولائی (جولاهی)^۱ (۱۰۷)، چماق گر (۱۹۰)، حکاک (۱۴۹)، حکیم (۳۲)، حلاج (۱۲۲)، حلوفروش (۱۱۰)، خباز (۵۴)، خراط (۴۵)، خرده‌فروش (۱۴۴، ۱۵۰، ۱۷۰، ۱۷۴)، خطاط (۱۸۰)، خطیب (۱۷۶، ۱۷۸)، خواننده (۸۴، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۲)، خوشنویس (۸۳، ۱۵۶)، خیاط (۴۰، ۱۲۷، ۱۳۳)، دلاک (۱۸۸)، دلال (۱۸۹)، دهقان (۱۵۸)، رکابدار (۵۶)، رمال (۱۵۱، ۱۵۷)، روغن گر (۱۷۲)، زرکش^۲ (۱۷۳)، زرگر (۴۴، ۶۲، ۶۷، ۱۱۳، ۱۳۲)، زرنشان^۳ (۸۲)، ساریان (۳۵)، سازنده^۴ (۸۳)، سپاهی (۱۸۴، ۱۸۵)، سراج (۱۶۶)، سرتراش (۱۷۱)، سقا (۱۳۹)، سوزن گر (۱۷۰)، سیاق نویس (۶۱، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۲، ۱۶۹)، سیراب‌پز (۱۷۱)، شاطر (۴۵)، شمشیر گر (۱۷۲)، صاحبقران (۳۳)، صحاف (۴۵، ۸۳، ۱۴۰، ۱۵۲، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۸)، صراف (۲۳، ۶۲، ۱۴۳)، صیاد (۱۹۰)، طبّاح (۱۴۳)، طبیب (۳۲، ۳۹، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۱۳۷، ۱۶۰)، طراح (۴۷)، عسل فروش (۱۳۹)، عطار (۱۱۹)، علاف^۵ (۱۷۱)، علاقه‌بند^۶ (۱۴۲)، عمله موسیقی (۴۵)، غلام (۱۴۹)، قابض^۷ (۱۴۳، ۱۶۳)، قاضی (۳۲، ۴۰، ۶۲)، قصاب (۳۷، ۱۷۴، ۱۸۷)، قضاخوان (۱۶۶، ۱۸۹)، قورچی^۸ (۱۸۷)، کاتب (۴۷، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۷۰، ۱۸۹)، کاردگر (۱۰۲، ۱۵۸)، کاسب (۱۷۴)، کاسه گر (۱۱۴)، کاغذفروش (۱۷۱)، کتاب فروش (۱۴۶)، کتیبه‌نویس (۱۴۲، ۱۷۸)، کحال^۹ (۱۵۱، ۱۶۴)، کدخدا (۳۶)، کرباس فروش (۱۴۷، ۱۵۷)، کفش دوز (۱۴۹)، کلانتر (۳۲)، کلاه‌دوز (۱۶۸)، کلیچه‌پز^{۱۰} (۱۱۴)، کلیددار (۳۷)، کماندار (۲۰، ۱۰۸، ۱۹۰)، کمانگر (۱۹۰)، کمریاف (۱۴۰)، لاجوردشو^{۱۱} (۴۵، ۱۴۵)، مذهب (۳۹، ۱۸۰)، مجلّد (۱۶۵)، محرّر (۱۸۰)، مدّاح (۱۰۰، ۱۷۵، ۱۷۶)، مدرّس

۱. بافندگی، نساجی (همان)

۲. کسی که تارهای زر به پارچه کشد. (معین)

۳. تذهیب‌کار، آن که پیشه‌اش تذهیب و طلاکاری است. (عمید)

۴. معنی دقیق این حرفه در تحفه سامی مشخص نیست. این واژه به معنی‌های مختلف سازنده آهنگ، نوازنده و یا معمار تعریف می‌شود.

۵. علف فروش (دهخدا)

۶. سازنده نوار و قیطان؛ آن که ابریشم تابیده و نوار و قیطان فروشد. (همان)

۷. محصل مالیات دیوانی (همان)

۸. سلاح‌دار (همان)

۹. چشم‌پزشک (همان)

۱۰. کلیچه: قرص نان (همان)

۱۱. لاجورد: سنگی است کبود که از آن نگین انگشتر سازند و صلیبه کرده به جهت مذهبان و نقاشان به‌عمل آورند. (همان)

(۷۶)، مشکفروش (۱۳۳، ۱۴۸)، مصوّر (۳۹، ۴۷، ۶۸، ۱۳۸، ۱۸۰)، مطرب (۱۴۳)، معرکه‌گیر (۱۲۰)، معمار (۹۸، ۱۶۲، ۱۶۴)، معلّم (۵۱)، مکتب‌دار (۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۷۷)، مهرداد (۱۷۹)، میخچه‌گر (۱۷۴)، میرشکار (۳۲)، میوه‌فروش (۱۲۰)، نقار^۱ (۸۲، ۸۳)، نقاش (۱۴، ۲۰، ۳۹، ۴۷، ۱۳۸، ۱۴۵، ۱۵۲، ۱۸۰)، نقش‌بند (۱۳۹)، نقیب^۲ (۴۵)، [نوازنده] ساز عود و شترغو (۸۲، ۸۳)، [نوازنده] ساز قانون (۸۳)، نوکر (۱۴۹)، والاباف^۳ (۱۴۱)، وکیل (۳۷، ۱۴۲)، یخنی‌پز^۴ (۱۴۳)، یوزباشی^۵ (۱۸۷).

۲-۶ بر اساس اطلاعات تذکره‌الملوک آخوریاشی (۷۱)، اتوکش (۳۰)، امیر آخور (۱۲، ۱۵)، امیرشکار (۵، ۱۳، ۵۵)، انباردار (۳۳)، اوارجه‌نویس^۶ (۱۷، ۴۳، ۶۰، ۶۱)، باروط‌ساز (۶۳)، باسمه‌چی^۷ (۷۱)، بلوک‌باشی^۸ (۱۵)، بوقچه‌باف (۶۵)، بهله‌دوز^۹ (۵۵)، بیطار^{۱۰} (۱۴)، پیشخدمت (۶۵، ۶۶)، پیشکش‌نویس (۵۴، ۶۲)، پیش‌نماز (۲)، تاجر (۲۴)، تابین^{۱۱} (۱۰، ۱۳، ۱۹، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۸۴)، تحصیلدار (۷)، تحویلدار (۲۲، ۲۹، ۳۲، ۳۳، ۴۵، ۵۴، ۶۵)، تفنگچی (۵، ۹، ۳۹، ۴۰، ۴۸، ۵۳، ۶۱، ۹۴)، توپچی (۱۳، ۱۴، ۴۸، ۶۰)، توشمال‌باشی (۵۷)، جارچی (۹، ۱۳، ۳۹، ۴۰)، جبادار (۱۲، ۱۹، ۲۹، ۳۰)، جلودار (۱۴، ۵۵، ۶۷)، جوراب‌دوز (۳۰)، چاقشور‌دوز (۳۰)، چراغچی (۳۱)، چهره‌نویس (۴۱)، حقّار (۲)، حکاک (۲۱)، حکیم (۲۰)، حلاج (۳۰)، خادم (۱۲، ۱۴، ۱۸، ۳۱، ۳۲، ۳۳)، خواجه (۱۴، ۱۸، ۱۹، ۲۹)، خیاط (۳۰، ۵۹)، خیام^{۱۲} (۳۱)، خیمه‌دوز (۳۱)، داروغه (۳۶، ۴۸، ۴۹)، دفتردار

۱. کنده‌گر؛ کسی که بر سنگ یا چوب کنده‌گری کند. (همان)

۲. سالار، پیشوا (همان)

۳. بافنده نوعی از بافته ابریشمی که بیشتر زنان پوشند. (برهان)

۴. یخنی: گوشت پخته‌شده (دهخدا)

۵. سردار و رئیس صد نفر (همان)

۶. دفتر اوارجه: دفتر حسابی که حساب‌های پراکنده دیوانی را در آن نویسند. (همان)

۷. کارگر چاپخانه، چاپچی (عمید)

۸. کدخدای بلوک (دهخدا)

۹. بهله: دستکش چرمی که در قدیم شکارچیان به دست می‌کردند برای نگاه داشتن باز بر روی دست. (عمید)

۱۰. پزشکی ستوران (دهخدا)

۱۱. سربازی که درجه ندارد. (معین)

۱۲. چادر‌دوز (دهخدا)

(۴۳، ۶۲)، دفتریان (۴۴)، دواتدار (۲۶)، راهدار (۴۱)، رقم‌نویس (۱۶، ۱۵)، رکابداری (۶۵)، ریاع^۱ (۴۵)،
 (۴۶)، ریکا^۲ (۹، ۹۴)، زرکش (۲۱، ۲۲)، زرکوب (۲۲، ۷۱)، زرگر (۲۲)، زین‌دار (۶۷)، سرایداری (۳۱)،
 سرخط‌نویس (۸، ۴۱، ۶۲)، سردار (۲۰)، سقا (۱۴)، سکه‌زن (۳۳)، سکه‌کن^۳ (۲۱)، سلاخ (۵۵)،
 شماعی^۴ (۳۱)، صاف‌کن (۳۰)، صراف (۲۱، ۲۲، ۳۴)، صندوق‌ساز (۳۱)، ضرباب^۵ (۲۱، ۲۴، ۳۳)،
 طیب (۲۰، ۴۱، ۹۳)، ضابطه‌نویس^۶ (۱۷، ۴۱، ۴۲، ۶۰)، عزب‌باشی^۷ (۴۳)، عطار (۲۰)، غازی (۹۴)،
 غسل (۲)، غلام (۷، ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۳۸، ۴۱، ۴۸، ۶۰)، فراش (۳۱، ۴۳، ۹۲)، قاپوچی^۸ (۲۸، ۴۰، ۴۱)،
 قاضی (۲، ۳)، قورچی (۵، ۷، ۳۷)، قوشچی (۱۳)، قیجاجی^۹ (۶۵)، کاغذگر (۷۱)، کبوترپران (۵۵)،
 کجاوه‌پوش (۳۱)، کشیک‌نویس (۶۲)، کلاه‌دوز (۳۰)، کله‌پز (۵۵)، کلیددار (۱۹، ۲۹، ۶۴، ۶۵، ۶۶،
 ۶۹، ۷۰)، گماشته (۲۲)، لشکر‌نویس (۸، ۱۸، ۲۵، ۴۱، ۴۴، ۶۱، ۶۲)، لندره‌دوز^{۱۰} (۳۰، ۳۱)، مأمور (۹)،
 مباشر (۳، ۳۶)، متصدی (۶، ۳۶، ۴۳، ۴۴، ۵۱)، متولی (۲، ۳، ۴۴)، مثال‌نویس (۴۴)، مجلس‌نویس^{۱۱}
 (۲، ۱۵، ۱۶، ۵۹)، محرر^{۱۲} (۲، ۸، ۱۷، ۱۸، ۲۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۹، ۶۰)، مدرّس (۲)،
 مذهب (۷۱)، مرغ‌فروش (۵۵)، مساح^{۱۳} (۴۵، ۴۶)، مستحفظ (۹۴)، مستوفی (۲، ۱۱، ۱۷، ۲۵، ۳۶،
 ۳۸، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۵۰، ۶۳، ۶۸، ۶۹، ۷۰)، مسگر (۲۲)، مشعلدارباشی (۳۱، ۳۲)، معمار (۱۱)،
 معیّر^{۱۴} (۲۱، ۲۲)، مقرّاض‌گر^{۱۵} (۷۱)، ملاباشی (۱، ۲، ۲۰، ۲۱)، ملازم (۱۱، ۲۱، ۴۷، ۵۰)، منجم

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. ارزیاب محصول به عهد صفویان (همان)
۲. محافظان شاه که در جلوی او حرکت می‌کردند. (عمید)
۳. آن که بر روی سکه نقش کند. (دهخدا)
۴. شمع‌ساز (همان)
۵. کسی که پول سکه می‌زند. (معین)
۶. در دوره صفوی، مأموری که به محصولات و مستغلات رسیدگی و زیر نظر مستوفی‌الممالک کار می‌کرد. (انوری)
۷. رئیس محاسبان و منشیان (دهخدا)
۸. حاجب، دربان (معین)
۹. دوزنده (دهخدا)
۱۰. لندره: نوعی پارچه زرد و زنی‌شده (انوری)
۱۱. واقعه‌نویس دربار پادشاهی، منشی انجمن (دهخدا)
۱۲. کاتب و نویسنده حاکم شرع (همان)
۱۳. مساحت‌کننده و اندازه‌گیرنده اراضی (انوری)
۱۴. مسئول ضرابخانه، آن که عیار مسکوکات و طلا و نقره را معین می‌کرد. (دهخدا)
۱۵. کاردرگر، شمشیرگر؛ مقرّاض: قیچی (همان)

(۲۰، ۳۰)، منشی (۲۵)، مؤدی^۱ (۶، ۴۲، ۴۶، ۴۷، ۵۰، ۵۱)، مهتر (۱۴، ۱۵، ۵۵)، مهرداد (۲۲، ۲۵، ۲۶)، میراب (۵۰)، میر شب (۴۹)، مین‌باشی^۲ (۹، ۱۳، ۳۰، ۳۹، ۴۰)، ناظر (۵، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۱۹، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۴۹، ۵۶، ۶۳، ۶۴، ۶۶-۷۰)، نامه‌نویس (۱۶)، نعلبند (۱۴)، نقاش (۵۹)، نقده‌ساز (۲۲، ۲۴، ۳۳)، واقعه‌نویس (۵، ۱۵، ۱۶)، وکیل (۳۴، ۹۲)، یساول^۳ (۸، ۲۷، ۴۰، ۴۱، ۶۱، ۶۲، ۹۳)، یوزباشی (۹، ۱۳، ۱۹، ۳۰، ۳۷-۴۰).

۷ دفاتر اهل حَرَف و پیشه‌وران عثمانی

اسناد مختلفی از روزگار عثمانیان قرون دهم و یازدهم هجری بر جای مانده که وضعیت مشاغل و حَرَف آن سرزمین را مشخص می‌کند. گزارش‌های افرادی چون ادريس بدلیسی، طاش‌کوپری‌زاده، مصطفی عالی‌افندی، لطفی پاشا، اولیا چلبی و بسیاری دیگر از جمله این اسنادند. در این میان، مهم‌ترین منبعی که اطلاعات واضح و دقیقی از مشاغل و پیشه‌وران آن سرزمین در اختیار می‌گذارد دفاتر اهل حرف عثمانی (← منابع: *Ehl-i Hiref (Santkârlar) Defterleri*) است، که با هدف ثبت و گزارش امور مالی اعضای کارگاه‌ها و جماعت‌خانه‌های دربار توپقاپی تنظیم شده‌اند. با عنایت به هدف و ساختار تنظیم این اسناد که با موضوع تحقیق قرابت بسیار دارد، در این پژوهش به بررسی این دفاتر اکتفا می‌شود؛ هرچند مطالعه و بررسی دیگر منابع در مجال یک مقاله پژوهشی نمی‌گنجد و نیازمند طرح پژوهشی عظیم با همین محوریت است. دربار عثمانی در آغاز قرن دهم هجری گروه‌های مختلفی را برای انجام خدمات گوناگون گرد آورده بود. یکی از این طبقات که در دربار عثمانی خدمات ارزنده‌ای انجام می‌داد طبقه اهل حرف بود. این تشکیلات دفاتر مخصوصی داشت که در آنها به مواردی همچون اسامی هنرمندان و صنعتگران، مرتبه و میزان مقرری، پاداش‌ها، و در پاره‌ای موارد به چگونگی

۱. خراج‌گزار (همان)

۲. رئیس و سر هزار تن سپاهی (همان)

۳. نگهبان، قراول (انوری)

الحاق ایشان به دربار عثمانی اشاره می‌شد. از بین اسناد موجود، اولین سند مربوط به سال ۹۱۹ هجری و آخرین آنها متعلق به سده سیزدهم هجری است. در این پژوهش، شناسایی مشاغل اهل حرف عثمانی از طریق بازخوانی دفاتر قرن دهم هجری، شامل سال‌های ۹۱۹، ۹۳۰، ۹۳۲، ۹۴۹، ۹۵۲، ۹۶۳، ۹۶۶، ۹۷۲، ۹۹۰ هجری صورت گرفته است. در اینجا نیز مشاغل اهل حرف عثمانی، همچون اسناد صفوی، به ترتیب حروف الفبا و با ذکر شماره دفتر، بازخوانی شده‌اند. معانی برخی مشاغل که امروزه متروک و یا مجهول و ناشناخته مانده است، با استناد به محل ثبت این مشاغل در جماعت‌های مربوط، ذکر شده، در عین حال در شناسایی هویت برخی مشاغل ابهام وجود دارد.

۷-۱- مشاغل اهل حرف دولت عثمانی: آشچی باشی^{۱۰} (۹۴۹)، اتمکچی باشی (اتمچه‌چی)^{۱۱} (۹۱۹، ۹۳۰، ۹۴۹)، امام^{۱۲} (۹۱۹، ۹۴۹)، امیر آخور (۹۱۹، ۹۴۹)، امیر علم (۹۱۹، ۹۴۹)، انعام خون^{۱۳} (۹۳۰)، اوتوچی^{۱۴} (۹۴۹)، باپوقی^{۱۵} (۹۵۲)، باز باز (۹۹۰)، بخوری^{۱۶} (۹۵۲، ۹۶۶)، بسمه‌چی^{۱۷} (۹۳۲، ۹۹۰)، بلبانچی^{۱۸} (۹۱۹)، بواب^{۱۹} (۹۱۹، ۹۳۰، ۹۴۹)، بوزدوغانی^{۲۰} (۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۶، ۹۷۲)، پوستین دوز (۹۱۹، ۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۳، ۹۷۲)، تبردار (۹۳۰)، ترازویی (ترازوچی) (۹۳۲، ۹۶۶، ۹۷۲).

- | | |
|--|-----------------------------------|
| 1. <i>Ahl-i Hiref (Sanatkârlar) Defterleri</i> , TSMA D. 10052 | 2. <i>ibid</i> , TSMA D. 02143 |
| 3. <i>ibid</i> , TSMA D. 97060001 | 4. <i>ibid</i> , TSMA D. 97060003 |
| 5. <i>ibid</i> , TSMA D. 97060004 | 6. <i>ibid</i> , TSMA D. 4104 |
| 7. <i>ibid</i> , TSMA D. 9612 | 8. <i>ibid</i> , TSMA D. 00808 |
| 9. <i>ibid</i> , YB.04.D. 10377 | |

۱۰. aşcıbaşı: آشپز (Çağbayırlar)
۱۱. etmekçi: نانوا (Pakalın)
۱۲. imam: امام جماعت (Çağbayırlar)
۱۳. en'am: سوره انعام؛ انعام خون؛ انعام خوان (*ibid*)
۱۴. üttücü: اتوکش (سامی)
۱۵. bapuk: نوعی زره توری که در جنگ‌ها بر تن اسب‌ها می‌پوشاندند (Çağbayırlar)؛ باپوقی: سازنده باپوق.
۱۶. buhürçu: بخوری؛ فروشنده بخور؛ بخور؛ نوعی چوب خوشبو که در مراسم مذهبی می‌سوزانند. (*ibid*)
۱۷. basmacı: باسمه‌چی، چاپگر (*ibid*)
۱۸. balaban: بلبان؛ گونه‌ای شاهین، همچنین نام سازی ترکی است (*ibid*)؛ بلبانچی: نوازنده بلبان؛ نگه‌دارنده نوعی شاهین. این حرفه در دفتر ۹۱۹ هجری ذیل جماعت آغایان آمده است.
۱۹. bevvaḅ: دربان (*ibid*)
۲۰. bozdoğan: گرزوی که ینی‌چری‌ها استفاده می‌کردند و بر سر آن، به ردیف، میخ باشد (*ibid*)؛ بوزدوغانی: سازنده چماق (Pakalın).

۹۶۶، توفنگچی (توفنگر) (۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۶، ۹۷۲، ۹۹۰)، توقیعی^۱ (۹۱۹)، تیرگر^۲ (۹۱۹، ۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۳، ۹۷۲)، جامچی^۳ (جمچی، جام‌گر) (۹۳۰، ۹۳۲)، جامه‌شوی (۹۱۹، ۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۶، ۹۷۲، ۹۹۰)، جراح (۹۱۹، ۹۳۲، ۹۴۹، ۹۵۲، ۹۶۶)، چاشنی‌گیرباشی^۴ (۹۴۹)، چاقرچی^۵ (۹۱۹، ۹۳۰، ۹۴۹، ۹۹۰)، چاوش^۶ (چاوش‌باشی) (۹۱۹، ۹۴۹)، چراغی (چراغچی) (۹۵۲، ۹۶۳، ۹۶۶)، چلنگر (چلنگیر)^۷ (۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۳، ۹۶۶، ۹۷۲)، حکاک (۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۶)، حکیم (۹۱۹)، حکیمه‌خاتون (۹۱۹)، حلاج (۹۳۲)، حلویایی (حلواچی)^۸ (۹۳۲، ۹۴۹، ۹۵۲، ۹۶۶)، خازن^۹ (۹۱۹)، خباز (۹۱۹)، خدمه^{۱۰} (۹۴۹، ۹۳۰)، خدمه^{۱۱} (اصطبل (۹۴۹، ۹۳۰)، خدمه^{۱۲} (مطبخ (۹۳۰)، خراط (۹۳۲، ۹۵۲، ۹۷۲)، خربنده^{۱۳} (۹۱۹)، خواجه (۹۱۹، ۹۴۹)، خیاط (۹۱۹، ۹۴۹)، خیمه‌دوز (۹۳۲)، دانشمند (۹۶۶)، دایره‌چی^{۱۴} (۹۳۲)، دایه‌خاتون (۹۱۹)، دباغ (۹۹۰)، درزی‌باشی^{۱۵} (۹۴۹)، دستوانه‌ای (دستوانه‌چی)^{۱۶} (۹۳۲)، دمشقی‌گر^{۱۷} (۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۳، ۹۶۶، ۹۷۲)، دویدار^{۱۸} (۹۱۹)، ذواق (۹۱۹)، رختوان^{۱۹} (۹۴۹)، رسام (۹۳۲)، رکابی^{۲۰} (۹۱۹)، روزنامه‌چی^{۲۱} (۹۴۹)، زردوز (۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۰، ۹۶۳، ۹۶۶، ۹۷۲)، زرگر

۱. tevki'1: طغرازن، مهرزن (Çağbayır)

۲. tirger: سازنده تیر (ibid)

۳. camçı: شیشه‌گر (ibid)

۴. چاشنی‌گیر: مزه‌چش (سامی)

۵. çakirci: تله‌گذار شکار پزندگان، شکارچی پرنده‌های وحشی (Çağbayır)

۶. سر جوخه، سرکارگر، سرکرده ده نفر (Pakalın)

۷. çilingir: آهنگر صنایع ظریف، کلیدساز، قفل‌ساز (Çağbayır)

۸. helvacı: حلواپز (Pakalın)

۹. hazin: خزانه‌دار، نگهبان خزانه (ibid)

۱۰. harbende: الاغ‌دار (ibid)

۱۱. دایره‌زن (ibid)

۱۲. derzi: خیاط (Çağbayır)

۱۳. destvane: دستکشی آهنین که روز جنگ می‌پوشند (ibid); دستوانه‌ای: سازنده دستوانه. (www.osmanlicasozlukler.com)

۱۴. dımışki: سازنده خنجر دمشقی (Pakalın)

۱۵. düveydar: دوات‌دار، قلمدان‌دار (Çağbayır)

۱۶. rahtivan: کسی که به رخت و پوشش اسبان رسیدگی می‌کند. (ibid)

۱۷. رکابدار (سامی)

۱۸. ruznameci: وقایع‌نگار (Pakalın)

(۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۳، ۹۷۲)، زرنشان (۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۳، ۹۶۶، ۹۷۲)، زنجزن^۱ (۹۴۹)، زنجیری (۹۳۲)، زورباز (۹۹۰)، زهگیرچی^۲ (۹۳۲)، ساریان (۹۴۹)، سازتراش (۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۶، ۹۹۰)، سازنده^۳ (۹۹۰)، ساعتچی (۹۶۶)، ساییس^۴ (۹۱۹، ۹۴۹)، ساییسان بارگیر (۹۴۹)، سبزهچی (۹۴۹)، سپاهی (۹۱۹، ۹۳۰، ۹۴۹)، سپردوز (۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۳، ۹۷۲)، سراج (۹۱۹، ۹۳۲، ۹۴۹، ۹۵۲، ۹۶۶)، سقا (۹۱۹)، سکهکن (۹۷۲)، سکهکن (۹۶۶)، سکهزن (۹۶۶)، سگبان (۹۱۹)، سکهکن (۹۶۶)، سگبدار (۹۱۹، ۹۳۰، ۹۴۹، ۹۳۰)، سنجقدار^۵ (۹۴۹)، سوهنگر (۹۳۲)، سیمکش (۹۳۲، ۹۷۲)، شاهنچی^۶ (۹۱۹، ۹۳۰)، شتربان (۹۱۹)، شعلهچی (۹۴۹)، شمشیرگر (۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۳، ۹۷۲)، صوباشی^۷ (۹۴۹)، صورنایی^۸ (۹۴۹)، صولاق^۹ (۹۱۹، ۹۴۹)، طبّاخ (۹۱۹، ۹۴۹، ۹۶۰، ۹۹۰)، طبّال (۹۴۹، ۹۹۰)، طبیب (۹۱۹، ۹۴۹)، طواشی^{۱۰} (۹۱۹)، طوپچی (۹۳۰، ۹۳۲)، عباییباف^{۱۱} (۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۶، ۹۷۲)، عذب (عزبچی)^{۱۲} (۹۱۹، ۹۳۰، ۹۴۹)، علوفهچی (۹۱۹، ۹۳۰، ۹۴۹)، عنبرینه‌ای (عنبرینهچی)^{۱۳} (۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۶)، غزاز (قزاز)^{۱۴} (۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۳، ۹۶۶، ۹۷۲)، غلام (۹۳۰)، قاترچی (۹۴۹)، قالیچی (۹۳۲، ۹۶۶، ۹۹۰)، قالیچه‌باف

۱. صنج: دو پاره مس که به هم زنند (دهخدا)؛ این حرفه در دفتر ۹۴۹ هجری، ذیل جماعت مهتران علم و در کنار مشاغل مرتبط با نوازندگی (صورنایی، طبّال، نفیری) آمده است.
۲. zihgir: سازنده انگشتانه توری برای کمانکش‌ها به منظور گرفتن زه کمان (Çağbayır)
۳. مطرب، نوازنده (سامی؛ Pakalın). در دفتر اهل حرف ۹۳۲ هجری نیز این شغل به معنی «نوازنده آلات موسیقی» آمده است.
۴. تیمارگر حیوانات (سامی)
۵. sancakdar: صاحب نشان، علمدار (Çağbayır)
۶. şahinci: شاهین‌باز، نگه‌دارنده شاهین (سامی)
۷. subaşi: دیده‌بان (Pakalın)
۸. نوازنده ساز سورنا (سامی)
۹. solak: محافظ سلطان، جزء صفوف نظامی عثمانی (Çağbayır)
۱۰. tavaşi: خادم مردان (Çağbayır)
۱۱. abayi: پوششی که پارچه آن از موی بز بافته می‌شود (ibid). وورال گنج، این حرفه را عتابی‌بافی (عتابی) نوعی پارچه موج‌دار) معرفی کرده است. (گنج: ۱۷)
۱۲. نظامی عثمانی، تفنگچی (سامی)
۱۳. anberine: گردن‌آویزی که آن را با عنبر پُر می‌کردند (Çağbayır)
۱۴. kazzaz: ابریشم‌باف (ibid)

(۹۳۲، ۹۵۲، ۹۷۲)، قانون چی^۱ (۹۳۲)، قدیفه باف^۲ (۹۶۶، ۹۵۲)، قزغانی^۳ (۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۳، ۹۶۶، ۹۷۲، ۹۹۰)، قصاب (۹۴۹)، قلعی گر^۴ (۹۴۹)، قیوجی باشی^۵ (۹۴۹)، کاتب (۹۳۲، ۹۴۹، ۹۵۲، ۹۶۳، ۹۶۶، ۹۷۲)، کاتب بواب (۹۴۹)، کاتب خرج خاصه (۹۱۹)، کاتب خزانه (۹۱۹)، کاتب دیوان (۹۱۹، ۹۴۹)، کاتب مطبخ (۹۱۹)، کاتب معلم (۹۱۹)، کاردگر (۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۳، ۹۷۲)، کاشی تراش (۹۳۲)، کاشیگر (۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۶، ۹۷۲)، کخال^۶ (۹۴۹)، کشتی گر (۹۳۲، ۹۷۲، ۹۹۰)، کلاه دوز (۹۱۹، ۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۰، ۹۶۳، ۹۶۶، ۹۷۲)، کمانگر (۹۱۹، ۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۳، ۹۷۲)، کمخاباف^۷ (۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۶)، کُنده کار^۸ (۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۳، ۹۶۶، ۹۷۲)، کور کچی^۹ (۹۳۰)، کوره چپی (۹۳۰)، کوفتچی (۹۳۲)، کوفتگر (۹۳۲، ۹۷۲)، کیلاری (کیلارچی)^{۱۰} (۹۴۹)، ماستگر (۹۴۹)، ماکیان^{۱۱} (۹۴۹)، مجلد (۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۰، ۹۶۶، ۹۷۲)، محاسب (۹۱۹)، محضر باشی (۹۴۹)، مساهره خور (مشاهره خور)^{۱۲} (۹۳۰)، مسگر (۹۳۲)، معلم (۹۱۹)، مقاطعه چی^{۱۳} (۹۴۹)، مؤذن (۹۴۹)، موزه دوز^{۱۴} (۹۱۹، ۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۳)، مویینه دوز^{۱۵} (۹۳۲)، مهتر (۹۱۹، ۹۳۰، ۹۴۹)، نای زن (نایچی)^{۱۶} (۹۳۲)، نجار (۹۳۲، ۹۵۲، ۹۷۲)، نشانچی (۹۴۹)، نعلبند (۹۴۹)، نفیری^{۱۷} (۹۴۹)، نقره ای (نقره گر)^{۱۸} (۹۴۹)، نقاش (۹۳۲،

۱. kanunçı: نوازنده قانون (ibid)

۲. kadife: قتیفه، جامه مخملی (ibid)

۳. kazğan: صنعتگری که دیگرهای بزرگ درست می کند. (www.osmanlicasozlukler.com)

۴. آن که بر ظروف واوانی قلعی کند. (دهخدا)

۵. چاه کن؛ قیوجی باشی؛ سرپرست چاه کنان (سامی)

۶. kehhal: چشم پزشکی (Çağbayır)

۷. kemha: کمخا، نوعی پارچه ابریشمی؛ kemhaci: کمخاباف، بافنده کمخا. (ibid)

۸. künde-kârî: هنر تزئین از طریق نشانیدن تکه های کوچک چوب در کنار یکدیگر. (ibid)

۹. kürekçi: قایقران، پاروزن (ibid)

۱۰. kılar: پیمانانگرو؛ کیل: پیمودن گندم (ibid)

۱۱. makiyan: مرغ (ibid)؛ ماکیان: مرغدار.

۱۲. müşaherehor: فردی که حقوق ماهیانه دارد؛ حقوق بگیر (Pakalın). این حرفه در دفتر ۹۳۰ هجری، ذیل ملازمان درگاه عالی در کنار جماعات ابناء، سپاهیان و سلحداران آمده است.

۱۳. mükâta'acı: کسی که مقدار مشخصی از اراضی را برای زمانی معین از سوی دولت برای دیگران کرایه می کند. (ibid)

۱۴. چکمه دوز (www.osmanlicasozlukler.com)

۱۵. muyine: پوستین (Çağbayır)

۱۶. nayzen: نی نواز (Pakalın)

۱۷. nafiri: نوازنده نفیر. نفیر: نام سازی است. (ibid)

۱۸. nukreger: نقره ساز (Çağbayır)

۹۵۲، ۹۵۸، ۹۶۰، ۹۶۳، ۹۶۶، ۹۷۲، نیام‌گر (۹۳۲، ۹۵۲، ۹۷۲)، وزنه‌چی (وزان) (۹۱۹، ۹۵۲، ۹۹۰)،
یاغچی^۱ (۹۳۰)، یکیچری^۲ (۹۳۰)، یونغاری (یونقاری)^۳ (۹۳۲، ۹۵۲).

۸ میراث فکری مشترک ایران و عثمانی در مشاغل اهل حَرَف

تذکره تحفه سامی و تذکره الملوک هر چند از حیث هدف، ساختار و چگونگی تنظیم، با دفاتر اهل حَرَف عثمانی متفاوت‌اند، اما قابلیت تطبیق اطلاعات آنها با دفاتر اهل حَرَف و کشف اشتراکات و افتراقات مشاغل وجود دارد. آنچه در ادامه ارائه می‌شود نتیجه مطالعات تطبیقی حَرَف صفوی و عثمانی است که در تنوع مشاغل، جماعت‌خانه‌ها، مرتبه و میزان مقرری پیشه‌وران و مشاغل خاص تفکیک می‌شوند.

۱-۸ تنوع مشاغل: با وجود کمبود منابع و تذکره‌های پیش از حاکمیت صفویان، اطلاعات موجود از وضعیت حَرَف نشان از تنوع مشاغل دارد. ابن بزّاز در اثر خود، صفوة الصفا (۱۳۷۶)، که به شرح زندگی شیخ صفی‌الدین اردبیلی (بنیان‌گذار طریقت صفوی و جد شاهان صفوی) می‌پردازد، به پیشه‌وران و صنعتگران بسیاری همچون آهنگر (۱۲۸، ۶۶۱)، اخته‌چی^۴ (۳۹۸، ۴۲۳)، ایلخچی^۵ (۱۱۵۲)، برنجکار (۱۵۸)، بزّاز (۱۰۵۷)، بیتکچی (۲۳۲، ۱۲۶۵)، تیرتراش (۲۹۵)، شال‌باف (۳۳۲)، جامه‌باف (۳۳۲)، حلویایی (۶۷)، خَبّاز (۳۱۵، ۳۲۶، ۷۱۱ و...)، خَیاط (۸۲۰)، دَبّاغ (۶۰۷، ۷۳۱، ۱۱۵۰)، دهقان (۶۷)، زردوز (۱۲۹۶)، زرگر (۳۰۹، ۶۷۱، ۷۰۹ و... ۸۲۰ و...)، سلاحی (۷۱۵)، سوزنگر (۱۱۲۶)، شیرگیر (۷۶۵)، صابون‌فروش (۶۷۰، ۶۸۸، ۶۸۹ و...)، صرّاف (۸۲۰)، عَلاف (۷۰۹)، قَصّاب (۱۰۶۶، ۱۱۸۷)، قوَال (۸۷، ۱۵۶، ۵۸۷، ۱۰۶۴ و...)، کدخدَا (۳۸۷)، کمخا(باف) (۱۳۰۰)، کلاه‌دوز (۱۰۱۲)، مَدّاح (۱۱۱۸، ۱۱۲۱)، مؤدّن (۳۰۰، ۶۱۵)، موزه‌دوز (۱۱۵۲)، نَجّار (۲۵۲، ۸۲۳)، نَسّاج (۱۸۲)، نَقّاش (۱۱۲۱) و واعظ (۲۲۴) اشاره می‌کند، که برخی از این پیشه‌وران،

۱. yağcı: روغن‌گیر، عَطّار (سامی)

۲. yeniçeri: ینگی‌چری: قسمتی از سپاه عثمانی (Çağbayır)

۳. yongar: نوازنده یونغار. یونغار: نام سازی ترکی با سه تار، کسی که سه تار می‌سازد (www.osmanlicasozlukler.com)

۴. آن که وظیفه‌اش اخته کردن حیوانات است. (انوری)

۵. مأمور نگهداری گله اسب و شتر (همان)

در کنار سایر پیروان شیخ صفی‌الدین، وی را به عنوان مرشد خود حمایت می‌کردند (کیوانی: ۱۵۴). تقریباً اکثر این مشاغل در عهد صفوی نیز وجود داشتند و بسیاری از آنها در کارگاه‌های سلطنتی آن دوره رشد چشمگیری یافتند.

در میان دفاتر اهل حِرَف قرن دهم، کمترین حجم به دفتر ۹۱۹ هجری با سه برگ و حداقل اطلاعات اختصاص دارد. مقایسه اطلاعات این دفتر، که پیش از واقعه چالدران ثبت شده، با دفتر ۹۳۲ هجری، که پس از آن واقعه به ثبت رسیده، تفاوت بسیاری را در تنوع مشاغل دو سند به نمایش می‌گذارد.^۱

دفتر اهل حِرَف ۹۳۲ هجری گویای حضور هنرمندان مهاجر ایرانی و نقش آنها در توسعه مشاغل اهل حِرَف توپقاپی سرای است. از میان مشاغل این دفتر، حرفه‌های حکاکی، حلوایی، خراطی، خیمه‌دوزی، زرگری، زهگیری، جلدسازی و نقاشی با اطلاعات تذکره تحفه سامی مشترک است و این مشاغل با اسامی صنعتگران و هنرمندان ایرانی همراه است. براساس این سند، هویت ۱۶ نقاش، ۱۳ زرگر، ۹ زرنشان، ۴ سپردوز، ۳ کاتب، ۲ پوستین‌دوز، ۲ حکاک، ۲ خیمه‌دوز، ۲ زردوز، ۲ شمشیرگر، ۲ قالیچه‌باف، ۲ قالی‌چی، ۲ کاردگر، ۲ کاشی‌تراش، ۲ کلاهدوز، ۲ کوفتچی، ۱ تیرگر، ۱ جام‌چی، ۱ جراح، ۱ حلاج، ۱ زهگیر، ۱ سیم‌کش، ۱ عبا‌باف، ۱ غزاز (قزاز)، ۱ قرغان، ۱ کنده‌کار، ۱ مسگر، ۱ موبینه‌دوز و ۱ نیام‌گر ایرانی معرفی شده که به دلایل مختلفی به کارگاه‌های دربار توپقاپی راه یافتند. نام اغلب این هنرمندان، تا زمان حیات، در دفاتر پس از دفتر ۹۳۲ هجری نیز مشهود است. در تذکره الملوک نیز نام مشاغل دیگری همچون بسمه‌چی، چراغی، حلاجی، سکه‌زنی، شمع‌گیری، قالی‌بافی، کحالی، مسگری و نعلبندی به چشم می‌خورد که با مشاغل دربار توپقاپی سرای مشترک است.

۸-۲ تنوع جماعت‌خانه‌ها: در تذکره تحفه سامی ذکری از جماعت‌خانه‌ها به میان نیامده

۱. پیشه‌ورانی که پس از جنگ چالدران در دفاتر ۹۳۰ و ۹۳۲ هجری، به جماعت اهل حِرَف دربار عثمانی اضافه شدند، عبارت‌اند از: بسمه‌چی، یوزدوغانی، تبردار، ترازویی، توفنگچی، جامچی، جلدساز، چلنگر، حکاک، حلاج، حلوایی، خراط، خیمه‌دوز، دایره‌چی، دستوانه‌ای، دمشقی‌گر، رختوان، رسام، زردوز، زرگر، زرنشان، زنجیری، زهگیر، سازتراش، سپردوز، سوهنگر، سیم‌کش، شمشیرگر، طوپچی، عبا‌باف، عنبرینه‌ای، قالی‌باف، قانون‌چی، غزاز (قزاز)، قرغانی، کاردگر، کاشی‌تراش، کاشی‌گر، کشتی‌گر، کمخاباف، کنده‌کار، کورکچی، کوفتچی، مساهره‌خور، مسگر، نای‌زن، نجار، نقاش، نیام‌گر و یونغاری.

است، اما در تذکره‌الملوک حدود ۳۰ جماعت‌خانه معرفی شده که عبارت‌اند از: آبدارخانه (۳۲)، (۷۱)، اصطبل (۳۳، ۷۱)، انبار (۳۳)، ایاغ‌خانه^۱ (۷۰)، بیوتات^۲ (۹، ۲۸، ۴۲، ۴۵، ۹۵)، حویج‌خانه^۳ (۶۸)، خزانه (۱۰، ۱۹، ۲۸-۳۰، ۶۴)، خیاط‌خانه (۶۶)، رکاب‌خانه (۳۲، ۶۵)، زرگرخانه (۷۱)، زین‌خانه (۶۷)، سقاخانه (۷۱)، شترخانه (۳۲، ۷۰)، شربت‌خانه (۳۳، ۶۹، ۷۰)، شعرباف‌خانه (۶۲)، شیریه‌خانه (۷۰)، عطارخانه (۷۲)، غانات (۳۱، ۶۸)، فراش‌خانه (۶۶)، قورخانه (۲۹، ۶۳)، قهوه‌خانه (۳۲، ۷۱)، قیجاجی‌خانه (۲۹، ۳۰، ۶۶)، کتابخانه (۷۱)، مسگرخانه (۷۱)، مشعل‌خانه (۳۲، ۷۱)، مطبخ (۷۱)، میوه‌خانه (۳۱، ۶۹)، نقاره‌خانه (۳۲)، نقاش‌خانه (۷۱) و هیمه‌خانه (۷۰).

در دفاتر اهل حِرَف عثمانی، جماعت‌خانه‌ها ترتیب و معیار مشخصی ندارند و در هر دفتر به گونه‌ای متفاوت معرفی شده‌اند. مهم‌ترین این جماعت‌ها عبارت‌اند از: آغایان (۹۱۹، ۹۴۹)، اطباء (۹۴۹)، چاوشان (۹۱۹)، سازندگان (۹۳۲)، سپاهیان (۹۴۹)، سراجان (۹۴۹)، طبخان (۹۴۹)، کاتبان (۹۱۹)، مهتران (۹۴۹)، و گاه جماعتی با نام اختصاصی «اهل حِرَف» است که عمدتاً کاتبان، نقاشان، مجلّدان، زرگران، کلاه‌دوزان، حکاکان، تیرگران، شمشیرگران و سازتراشان را شامل می‌شود (← دفاتر ۹۳۲، ۹۵۲، ۹۶۳، ۹۶۶، ۹۷۲). به منظور تطبیق مشاغل اهل حِرَف دو دولت صفوی و عثمانی، فهرستی از جماعت‌خانه‌ها که مشاغل هر دو گروه را در برگیرد، تعریف شده است. جدول شماره ۱، تفکیک مشاغل اهل حِرَف دولت‌های صفوی و عثمانی را در جماعت‌خانه‌های مربوط نشان می‌دهد. این بررسی حِرَف مربوط به هر جماعت‌خانه و تنوع مشاغل را هویدا می‌سازد. فهرست جماعت‌خانه‌ها و تفکیک مشاغل بر اساس اطلاعات موجود در اسناد صفوی و عثمانی و همچنین مطالعات پراکنده نگارنده صورت گرفته است. مشاغل حکومتی و یا مشاغل ناشناخته و همچنین مواردی که، با توجه به ماهیتشان، در فهرست مشاغل اهل حِرَف قرار نمی‌گیرند در بخشی با نام متفرقه تفکیک شده‌اند.

۱. میخانه (دهخدا)

۲. کارگاه‌هایی که ضروریات و حوایج دستگاه سلطنتی را تدارک و تهیه می‌نمود. (همان)

۳. محلی در دربار پادشاهان و بزرگان برای نگهداری مواد خوراکی و لوازم آشپزخانه (انوری)

جدول ۱ - مشاغل و جماعت‌خانه‌های اهل حرف دولت‌های صفوی و عثمانی در قرن دهم هجری

جماعت‌خانه	مشاغل اهل حرف صفوی	مشاغل اهل حرف عثمانی
کتابخانه	اوارجه‌نویس، باسمه‌چی، پیشکش‌نویس، تحصیلدار، چهره‌نویس، خطاط، خوش‌نویس، دفتربان، دفتردار، دواندار، رقم‌نویس، سرخط‌نویس، سیاق‌نویس، صحاف، طراح، ضابطه‌نویس، عزب‌باشی، قصه‌خوان، کاتب، کاغذگر، کتیبه‌نویس، کشیک‌نویس، لشکر‌نویس، لاجوردشو، مثال‌نویس، مجلد، مجلس‌نویس، محرر، مدرس، مذهب، مصور، معلم، مکتب‌دار، منشی، مهرداد، نامه‌نویس، نقاش، نقش‌بند، واقعه‌نویس	بصمه‌چی، توقیعی، دویدار، رسام، روزنامه‌چی، کاتب، کاتب بواب، کاتب خرج خاصه، کاتب خزانه، کاتبان دیوان، کاتب مطبخ، کاتب معلم، مجلد، نقاش، محاسب، معلم
شفاخانه	جراح، حکیم، طبیب، عطّار، کحال، میخچه‌گر	جراح، حکیم، طبیب، کحال
مطبخ‌خانه	خَباز، توشمال‌باشی، روغن‌گر، سقا، سیراب‌پز، شاطر، صاف‌کن، طبّاح، کلیچه‌پز، کله‌پز، یخنی‌پز	آشچی‌باشی، اتمکچی‌باشی، حلوابی، چاشنی‌گیر، خَباز، خدمه مطبخ، ذواق، سبزه‌چی، سقا، طبّاح، کیلاری، ماستگر، یاغچی
خواجه‌سرا	پیشخدمت، تحویلدار، خادم، خواجه، سرایدار، غلام، ملازم، مهتر، نوکر	آغایان، امیر علم، انعام‌خون، خواجه، بواب، چاوش، دایه‌خاتون، غلام، نشانجی، سنجقدار، طواشی، مهتر، محضرباشی
ضراب‌خانه	زرکش، زرکوب، زرگر، زرنشان، سکه‌زن، سکه‌کن، صراف، ضراب، معیر	خازن، سکه‌کن، زرگر، زرنشان، زردوز، سکه‌زن، سکه‌کن
خیاط‌خانه	اتوکش، پالان‌دوز، پوستین‌دوز، پینه‌دوز، تاج‌دوز، تکمه‌بند، جبادار، جوراب‌دوز، جولائی، چاقشوردوز، خیاط، قیجاچی، کلاهدوز، کمریاب، نقده‌ساز، والاباف	اوتوچی، خیاط، پوستین‌دوز، درزی‌باشی، دست‌توانه‌چی، عبایی‌باف، قدیفه‌باف، قَرَزاز، قیوجی‌باشی، کلاهدوز، کمخاباف، موزه‌دوز، موبینه‌دوز
فراش‌خانه	بوچه‌باف، بهله‌دوز، تکلتودوز، حلاج، ختام، خیمه‌دوز، فراش، کجاوه‌پوش، کفش‌دوز، لندره‌دوز	دباغ، حلاج، خیمه‌دوز، قالیچه‌باف، قالی‌چی

باغبان، برزگر، بیطار، دهقان، سَلاخ، صیاد، قصاب، قوشچی، امیرشکار، کبوترپران	باغبان، برزگر، بیطار، دهقان، سَلاخ، صیاد، قصاب، قوشچی، امیرشکار، کبوترپران	غانات و باغستان
ابریشم‌فروش، بَاز، بقال، بیاع، بیلدار، تاجر، حلوافروش، خرده‌فروش، دلال، عسل‌فروش، علاف، علاقه‌بند، کاسب، کاغذفروش، کتاب‌فروش، کرباس‌فروش، مشک‌فروش، مرغ‌فروش، میوه‌فروش	ابریشم‌فروش، بَاز، بقال، بیاع، بیلدار، تاجر، حلوافروش، خرده‌فروش، دلال، عسل‌فروش، علاف، علاقه‌بند، کاسب، کاغذفروش، کتاب‌فروش، کرباس‌فروش، مشک‌فروش، مرغ‌فروش، میوه‌فروش	فروشنندگان (بیاعان)
چراغچی، مشعلدار، شمّاعی	بخوری، چراغی، شعله‌چی، شمع‌گیر	مشعل‌خانه و نقاره‌خانه
آخورباشی، امیر آخور، زین‌دار، ساربان، نعلبند	امیر آخور، باوقی، بارگیر، خدمهٔ اصطبل، خربنده، رختوان، ساربان، سایس، سگبان، شتریان، علوفه‌چی، قاترچی، ماکبانی، نعلبند	اصطبل (آخور و طوایل)
باروط‌ساز، پاسبان، تفنگچی، تاپین، توپچی، تیرانداز، جلو‌دار، سپاهی، رکابدار، ریکه، قورچی، کماندار، مین‌باشی، یوزباشی	تبردار، توفنگچی، ربابی، زورباز، سلاحدار، سپاهی، صویاشی، صولاقی، عزبچی، کشتی‌گر، کورکچی، یک‌چری	توپخانه و سپاهیان
خواننده، عملهٔ موسیقی، مطرب، نوازندهٔ ساز قانون، نوازندهٔ ساز عود و شترغو	دایره‌چی، زنج‌زن، سازتراش، صورنایی، طبّال، قانون‌چی، نفیرزن، نایچی، یونغاری	مطربان و نوازندگان و اهل موسیقی
دلّاک، سرتراش، سراج، غَسّال	جامه‌شوی، سراج	گرمابه و رختخانه
بنّا، حفار، معمار، مساح	قیوجی‌باشی	معماران
خرّاط، حکّاک، صندوق‌ساز	خرّاط، حکّاک، نجّار	صنعتگران چوب
آهنگر، تیرگر، چماق‌گر، زهگیر، سوزن‌گر، شمشیرگر، کاردگر، کمانگر، نقّار، مسگر، مقراض‌گر	ترازوچی، بوزدوغانی، تیرگر، چلنگر، دمشقی‌گر، زنجیری، زهگیرچی، ساعتچی، سپردوز، سوهنگر، سیم‌کش، شمشیرگر، قزغانی، قلعی‌گر، کاردگر، کمان‌گر، کنده‌کار، کوفتچی، کوفتگر، مسگر، نقره‌ای (نقره‌گر)، نیام‌گر، وزنه‌چی	صنعتگران فلز

کاسه‌گر	جامچی، جامگر، کاشی‌تراش، کاشی‌گر، کوره‌چی	صنعتگران سفال، کاشی و شیشه
متفرقه	انباردار، بلوک‌باشی، پیش‌نماز، جارچی، خطیب، داروغه، راهدار، رباع، رمال، سردار، صاحبقران، غازی، قابضی، قاپوچی، قاضی، کدخدا، کلانتر، کلیددار، گماشته، مأمور، مباشر، متصدی، متولی، مداح، مستحفظ، مستوفی، معرکه‌گیر، ملاباشی، منجم، مؤدی، میراب، میر شب، ناظر، نقیب، وکیل، یساول	

آنچه در این جدول نمایان است شباهت بسیارِ مشاغل و جماعات در دو گروه صفوی و عثمانی است؛ گویی هر دو از یک میراث فکری مشترک برخوردار بوده‌اند. کمبود پیشه‌های مربوط به کاشی و شیشه در تذکرهٔ تحفهٔ سامی و تذکرهٔ الملوک، در حالی که سرزمین ایران مهد توسعهٔ این حرف بوده و در قرن دهم هجری جایگاهی ممتاز و شناخته‌شده در منطقه داشته، نشان از ناقص بودن اطلاعات اسناد مشاغل عصر صفوی دارد. نکتهٔ حائز اهمیت، تنوع هنرهای بافندگی و دوزندگی در ایران است که در گونه‌ها و اقلام مختلف ظهور یافته و توسعهٔ این مشاغل را در عهد صفوی به نمایش می‌گذارد. همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر شد، برخی از این مشاغل پس از واقعهٔ چالدران و انتقال هنرمندان ایرانی به استانبول، در دربار عثمانی توسعه یافتند.

فقدان مشاغل حرام در هر دو گروه صفوی و عثمانی مشهود است و بیانگر تابعیت از شرع و پایبندی هر دو دولت بر عدم حمایت از این مشاغل است. همچنین تخصصی شدن برخی حرفه‌ها از جمله در جماعت کتابخانهٔ صفوی (لشکرنویسان، سرخط‌نویسان، پیشکش‌نویسان، مجلس‌نویسان، واقعه‌نویسان، رقم‌نویسان، اوارجه‌نویسان) و کتابخانهٔ عثمانی (کاتبان خزانه، کاتبان دیوان، کاتبان مطبخ، کاتبان خرج خاصه، کاتبان بواب و

کاتبان معلم) نظام مدیریتی دقیق و سازمان‌یافته مشاغل قرن دهم هجری را در دیار صفوی و عثمانی نشان می‌دهد.

گروه سازندگان آلات موسیقی و نوازندگان صفوی با همتای عثمانی برابری می‌کند. وورال گنج، در پژوهش خود با عنوان «از کاخ هشت بهشت تا کاخ توقیایی»، به فهرستی از نی‌زنان و خوانندگان ایرانی اشاره می‌کند که از تبریز به استانبول منتقل شدند (گنج: ۲۸). این موضوع در کنار سیاست‌های مذهبی دولت صفوی، که از نیمه دوم حاکمیت شاه طهماسب اول شدت گرفت و پس از آن نیز ادامه یافت، نکته قابل تأملی را مطرح می‌کند و آن اینکه رشد موسیقی ایرانی در عهد صفویان و فعالیت مشاغل مرتبط با سازندگان آلات موسیقی و نوازندگان، به رغم سیاست‌های دولت، به طور وسیعی وجود داشته و در گزارش‌های اصناف دربار صفوی نیز به ثبت رسیده است.

از دیگر تفاوت‌های مشاغل دو گروه فقدان حِرَف مرتبط با فروشندگی در اسناد عثمانی است. با توجه به اشتراکات فرهنگی بسیار قوی بین دو سرزمین و همگامی مشاغل، این موضوع بی‌گمان ناشی از تفاوت ساختاری نگارش اسناد اهل حِرَف صفوی و عثمانی است که رویکرد متفاوتی را در بیان مشاغل به نمایش می‌گذارد؛ چرا که دفاتر اهل حِرَف عثمانی، تنها به ثبت مشاغلی پرداخته که امکان حضور آنها در کارگاه‌های درباری فراهم بوده و از آن محیط فراتر نرفته‌اند.

۳-۸ مرتبه و جایگاه: در اسناد صفوی، کاربرد واژه‌هایی همچون «باشی»، «کدخدا»، «نقیب» و «استاد»، برای بیان مرتبه اشخاص، دیده می‌شود. در تذکرة الملوک از سرپرستی اداره امور فنی هریک از کارگاه‌ها از سوی یک «باشی» سخن به میان آمده است. با تکیه بر همین سند، «پیش از اینکه صنف شخصی را به عنوان استاد منصوب کند، تأیید شایستگی و صلاحیت داوطلب از سوی نقیب ضروری بود» (کیوانی: ۹۹). واژه «کدخدا» معنای کلی رئیس یا شخص سرشناس را داشته و به عنوان لقب پیش‌کسوت به کار می‌رفته است. کاربرد این واژه در اصناف به دوره پیش از صفوی بازمی‌گردد. مهارت، شایستگی و اعتبار برای منصب کدخدا

ضروری بود و استادان هر صنف شخص بسیار ماهر و باتجربه‌ای را از میان اعضای حرفه خود برگزیده و با توافق بر سر پرداخت حق‌الزحمه‌اش او را به عنوان کدخدا معرفی می‌کردند (نصرآبادی: ۴۱۴-۴۱۵).

در دفاتر اهل حرف عثمانی نیز، مرتبه و جایگاه پیشه‌وران با کاربرد واژگانی همچون «سربلوک»، «کدخدا»، «استادکار» و «شاگرد» از هم متمایز شده‌اند. در عین حال، مراتب اشخاص با توجه به اولویت ذکر ایشان در هر گروه و نیز میزان مقرری آنها قابل تشخیص است.

۸-۴ حقوق و مقرری: در اسناد و تذکره‌های صفوی، در مورد میزان مقرری و اینکه از سوی حاکم درآمدی به پیشه‌وران پرداخت می‌شده یا نه اطلاعات اندکی وجود دارد.

سالانه ناظر بیوتات سند حقوق پیشه‌وران شاهی را امضا می‌کرد. حقوق به طور سالانه پرداخت می‌شد، به استثنای شترداران که شش ماه یک بار حقوق می‌گرفتند. حقوق پیشه‌وران سلطنتی با توجه به حرفه‌ها متفاوت بود. به گزارش کمپفر، به یک استاد پیشه‌ور چیزی حدود ده تا پنجاه تومان در سال پرداخت می‌کردند. افزون بر حقوق تنظیم‌شده مورد توافق، پاداش‌هایی هم از سوی شاه به پیشه‌وران شایسته‌تر با تشخیص مهارت‌های خاص به آنها می‌داد (کیوانی: ۱۶۸).

برخلاف اسناد صفوی، در دفاتر اهل حرف عثمانی، میزان مقرری و پاداش پیشه‌وران به‌دقت و بدون هیچ‌گونه اغراق یا دخل و تصرفی از سوی منشیان دربار ثبت شده است. مقرری‌ها به صورت روزانه از محل خزانه دربار پرداخت می‌شده و دارای نظام مشخص و یکپارچه‌ای در تمام دفاتر بوده است. بالاترین مقرری به صدرنشین گروه و سربلوک جماعت اختصاص داشته و این میزان، به ترتیب، در مقرری کدخدا، استاد و شاگرد کاهش می‌یافته است. در بین تمامی دفاتر قرن دهم هجری، بالاترین مقرری در دفتر ۹۵۲ هجری به شاه‌قولی (هنرمند تعلیم‌یافته مکتب تبریز صفوی)، سربلوک جماعت نقاشان، با ۲۵ آقچه^۱

۱. «هر آقچه برابر با یک ربع درهم نقره بوده است» (هامر پورگشتال: ۹۱).

دستمزد روزانه اختصاص یافته و حداقل دستمزد اهل حَرَف مربوط به شاگردان هر جماعت در حد میانگین ۱ آقچه بوده است.

۸-۵ مشاغل خاص: پیشه‌وران کارگاه‌های سلطنتی، در مقایسه با پیشه‌وران مستقل، مهارت و قابلیت‌های بیشتری داشتند و از موقعیت اجتماعی و اقتصادی خوبی برخوردار بودند؛ از این رو، پیشه‌وران تمایل داشتند، هنگامی که فرصت‌هایی به دست می‌داد، به خدمت کارگاه‌های سلطنتی درآیند. در میان اصناف رایج عهد صفوی، تعداد کمی از منزلت بالایی برخوردار بودند، که پزشکان، داروسازان و صرافان از این دست به شمار می‌آمدند و حرفه‌های ویژه‌ای مانند شیشه‌گران، مطلاکاران و خوشنویسان قدر و اعتبار داشتند. از گزارش سفرنامه‌نویسان اروپایی چنین بر می‌آید که زرگران، شیشه‌گران، طلاکوبان، جواهرفروشان و صرافان از بالاترین عایدی و از موقعیت اجتماعی بالایی برخوردار بودند. همچنین زری‌بافان، در مقایسه با بسیاری از پیشه‌وران، درآمد بیشتری داشتند (اسکندریگ منشی: ۱۲؛ نیز ← شاردن).

در اکثر دفاتر اهل حَرَف عثمانی، سرآغاز مشاغل جماعت کاتبان، مجلّدان و نقاشان است. همچنین اختصاص یافتن بالاترین مقرری به هنرمندی نقاش، نشان از جایگاه ممتاز این حَرَف در دربار توپقاپی داشته است. این نکات نشان‌دهنده جایگاه ویژه و قابل تحسین حَرَف کتابخانه در کارگاه‌های توپقاپی سرای است.

۹ نتیجه

بررسی مشاغل اهل حَرَف دو دولت صفوی و عثمانی، با استناد به تذکرة تحفة سامی و تذکرة الملوک و دفاتر اهل حرف عثمانی، میراث فکری و فرهنگی مشترک این دو سرزمین را به نمایش می‌گذارد. نوع مشاغل، تنوع گونه‌ها، همسانی جماعت‌خانه‌ها و تخصصی شدن برخی از حَرَف، نظام یکپارچه، دقیق و سازمان‌یافته مشاغل آن روزگار را در عصر صفوی و عثمانی قرون دهم و یازدهم هجری اثبات می‌کند.

فقدان برخی از مهم‌ترین پیشه‌ها در اسناد صفوی و عثمانی، نشان از ناقص بودن

اطلاعات اسناد دارد و این نکته را مطرح می‌سازد که احتمالاً مشاغل و حرفه‌های دیگری نیز بوده‌اند که نام آنها در این اسناد ثبت نشده است. اطلاعات مربوط به مرتبه و مقرری پیشه‌وران در دفاتر اهل حَرَف عثمانی با دقت و ریزبینی بیشتری ارائه شده است. دقت در ثبت جزئیات دفاتر اهل حَرَف عثمانی در معرفی جماعات، مشاغل، اسامی پیشه‌وران، هویت و چگونگی الحاق ایشان به کارگاه‌ها، میزان مقرری، مرتبه و حتی زمان فوت ایشان و، از همه مهم‌تر، واقع‌نگاری (دوری از هر گونه دخل و تصرف و نظر شخصی نگارنده) امتیازی است که در اسناد عثمانی وجود دارد. با در نظر گرفتن این نکته که احتمالاً اغلب اسناد صفوی هم‌تراز با دفاتر اهل حَرَف عثمانی معدوم شده‌اند و آنچه موجود است با اهداف و ساختار نگارشی کاملاً متفاوت از اسناد عثمانی گزارش شده‌اند، تفاوت بین دو گروه اسناد صفوی و عثمانی منطقی و موجه می‌نماید.

به رغم ضعف‌های موجود در اسناد اهل حرف عهد صفوی، با تطبیق داده‌های اسناد دو گروه و استناد به شواهد تاریخی، می‌توان گسترش برخی از مشاغل صفوی را در ديار عثمانی قرن دهم هجری مشاهده کرد. به نظر می‌رسد گسترش این مشاغل از ایران به آسیای صغیر روی داده و عصر صفوی یکی از مهم‌ترین دوره‌ها در انتقال این میراث فکری و فرهنگی غنی بوده است.

منابع

آصف، محمدهاشم (رستم‌الحکما)، رستم التواریخ، به تصحیح محمد مشیری، چاپ دوم، نمونه، تهران ۱۳۵۲.

ابن بزّاز، صفوة الصفا، به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، زریاب، تهران ۱۳۷۶.

اسکندریبگ منشی، تاریخ عالم‌آرای عباسی، به تصحیح ایرج افشار، امیرکبیر، تهران ۱۳۵۰.

انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، سخن، تهران ۱۳۸۱.

اوزون چارشیلی، اسماعیل حقی، تاریخ عثمانی؛ جلد دوم: از فتح استانبول تا مرگ سلطان سلیمان

قانونی، ترجمه وهاب ولی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۸۸.

باربارو، جوزوفا، سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (نشش سفرنامه)، ترجمه منوچهر امیری، خوارزمی، تهران ۱۳۴۹.

برهان تبریزی، محمد حسین بن خلف، برهان قاطع، امیرکبیر، تهران ۱۳۹۱.
تربیت، محمدعلی، دانشمندان آذربایجان، به کوشش غلامرضا طباطبائی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۷۸.

توکلی فرد، فاطمه، «معرفی، بررسی و تحلیل تذکره تحفه سامی»، آینه میراث، ش ۵۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۴۳-۷۷.

جابری انصاری، حسن، تاریخ اصفهان، به تصحیح و تعلیق جمشید سروشیار، مشعل، تهران ۱۳۷۸.
دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۷.
روح‌بخشان، علی، «مشاغل جامعه روزگار صفویان در کتاب تحفه سامی»، بررسی‌های نوین تاریخی، ش ۳، بهار ۱۳۸۶، ص ۴۱-۴۵.

سام میرزا صفوی، تذکره تحفه سامی، به کوشش احمد مدقق یزدی، سامی، یزد ۱۳۸۸.
سامی، شمس‌الدین، قاموس ترکی، اقدام مطبعه‌سی، در سعادت [= استانبول] ۱۳۱۷ق.
شاردن، ژان، سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، امیرکبیر، تهران ۱۳۴۵.
عالی‌افندی، مصطفی بن احمد، مناقب هنروران، ترجمه توفیق هاشم‌پور سبحانی، سروش، تهران ۱۳۶۹.

عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، امیرکبیر، تهران ۱۳۹۲.
فرخ‌فر، فرزانه (۱)، «دفاتر اهل حرف عثمانی»، گزارش میراث، دوره دوم، ش ۳ و ۴، مرداد - آبان ۱۳۹۳، ص ۲۷-۳۴.

_____ (۲)، «سنت کتاب‌آرایی ایرانی و توسعه آن در آسیای صغیر در دوره میانه»، نشریه تاریخ و فرهنگ، ش ۹۸، ۱۳۹۶، ص ۳۷-۶۰.

فرخ‌فر، فرزانه، محمدخزائی و غلامعلی حاتم، «جایگاه هنرمندان کتاب‌آرای ایرانی در کارگاه‌های هنری توپقاپی‌سرای؛ با استناد به دفاتر اهل حرف عثمانی»، مطالعات هنر اسلامی، دوره ۸، ش ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۳۵-۵۲.

کیوانی، مهدی، پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی (جستارهایی در تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران)، ترجمه یزدان فرخی، امیرکبیر، تهران ۱۳۹۲.

گنج، وورال، «از کاخ هشت بهشت تا کاخ توپقاپی: سیاهه اموال و اشیاء شاه اسماعیل، غارت‌شده

پس از چالدران»، ترجمه اسرا دوغان و رسول جعفریان، پیام بهارستان، ش ۱۲، س ۳، تابستان ۱۳۹۰، ص ۹-۳۷.

معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ چهارم، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۰.
میرزاسمیعا، محمدسمیع، تذکره الملوک: تشکیلات اداری و سازمان حکومتی و درباری و مشاغل و مناصب عهد صفویه، به کوشش سیدمحمد دبیرسیاقی، کتابفروشی طهوری، تهران ۱۳۶۸.

نصرآبادی، محمدطاهر، تذکره نصرآبادی، به تصحیح وحید دستگردی، [بی‌نا]، تهران ۱۳۱۷.
هامر پورگشتال، ژوزف فن، تاریخ امپراتوری عثمانی، ترجمه میرزا زکی علی‌آبادی، به اهتمام جمشید کیان‌فر، زرین، تهران ۱۳۶۷.

Atil, Esin, *The Age of Sultan Süleyman the Magnificent*, National Gallery of Art, Washington DC 1987.

BAyat, Ali Haydar (1997), "Osmanlı El Sanatlarının Gelişmesinde Ehl-i Hiref'in Rolü ve Kimliği", *Türk Kültürü*, C. XXXIV, S. 403, 1997, s. 25-34 (665-674).

BINNEY, Edwin, *Turkish Treasures*, The Portland Art Museum, Portland 1979.

CAMPBELL, Caroline and Alan CHONG, *Bellini and the East*, National Gallery Co., London 2006.

ÇAĞBAYIR, Yaşar, *Büyük Türkçe Sözlük*, 10 cilt, TİKA, İstanbul 2016.

Ehl-i Hiref (Sanatkarlar) Defterleri, Topkapı Sarayı, T.C. Başbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü, İstanbul.

MERİÇ, Rıfki Melul, *Türk Nakış San'atı Tarihi Araştırmaları I: Vesikalar, Meracib Cemaati Ehl-i Hiref*, Ankara İlahiyat Fakültesi Türk ve İslam San'atları Tarihi Enstitüsü, Ankara 1953.

PAKALIN, Mehmet Zeki, *Osmanlı Tarih Deyimleri ve Terimleri Sözlüğü*, Milli Eğitim Basımevi, İstanbul 1993.

Raby, Julian and Zeren TANINDI, *Turkish Bookbinding in the Fifteenth Century: The Foundation of an Ottoman Court Style*, Tim STANLEY, London 1993.

UZUNÇARŞILI, İsmail Hakkı, "Osmanlı Sarayı'nda Ehl-i Hiref (Sanatkârlar) Defterleri", *Belgeler*, C. Xi, Sa. 15, 1986, s. 23-76.

ULUÇ, Lale, *The Common Timurid Heritage of the Three Capital of Islamic Arts, in Istanbul, Isfahan, Delhi; 3 Capitals of Islamic Art*, Masterpieces Museum, 2008, pp. 39-53.

<https://www.osmanlicasozlukler.com>

